

مقدمه

حمد و سپاس خدای بی چون و بلا ز د که انسان را بیافرید و بیان و قرآن را به او بیاموخت و درود بی پایان به روان پاک همه پیامبران و اوصیای الهی به ویژه بر نبی خاتم و سید رسل محمد (ص) و بر خاندان پاکش به خصوص افضل اوصیا امیر مؤمنان علی (ع) که از بهترین بندگان خدا بودند؛ و درود بی عدد به ساحت مقدس حجة بن الحسن العسکری قطب عالم امکان، عجل الله تعالی فرجه الشریف.

خداوند حکیم در کتاب خود می فرماید: «أَوَّلُ مَا كَلَّمَكَ رَبِّي لَيْلٍ تَسَّاسٍ نُمَلِّ لَيْلِي هَلِيمٌ وَلَا هَمٌّ وَلَا تَتَفَكَّرُونَ»¹ و می فرماید: «تَعَلَّابُ كُلُّهُنَّ أُمَّةٌ أَنْتُمْ غَلْمٌ لَمْ يُولَفُوا فَاَلْهَمُوا»²؛ خداوند این کتاب روشنی بخش را بر انسان نازل کرد که چراغ راه زندگی بشر است و او را مأمور به تفکر و تدبیر در آن، مأمور تأمل در آیات و حتی در بیانات تفسیری و توضیحی پیامبر (ص)، و مفسران الهی کرد.

تنها دین کامل الهی «دین اسلام» است و همه شرایع الهی، چیزی جز جلوه های مختلف آن نبودند؛ مگر اینکه به حسب شرایط امتها و عوامل دیگر، با نام خاصی پدیدار شدند؛ تا اینکه با بعثت نبی خاتم محمد مصطفی (ص) با نام اصلی خود «دین اسلام» مسمی گردیدند: «إِنَّمَا الْإِسْلَامُ» (آل عمران، 19).

این دین، در قالب کتاب الهی «قرآن مجید» بر قلب مبارک پیامبر اسلام، نزول یافت؛ اما به نص قرآن کریم نبی مکرم اسلام، مبین حقایق و کلیات دین است و آنچه برای اکمال و اتمام آن لازم است، برای مردم بیان فرمود. از طرف دیگر به بیان صریح قرآن «مطهرون» ادراک کنندگان و مس کنندگان حقیقی قرآن در مقام مکنون اند (واقعه، 77-79) که قدر متیقن از مصادیق «مطهرون»، «اهل بیت» اند و به دلالت آیه 7 آل عمران، آیات قرآن از دو بخش: محکمت و متشابهات تشکیل شده، ولی تنها «راسخان در علم» قدرت فهم همه آن را دارند. آنان که ریشه های فهم و ادراکشان در سرزمین «علم» رسوخ و نفوذ یافته است و طبق حدیث متواتر مروی از نبی اسلام معروف به «ثقلین»، تمسک به هر دو، با هم واجب و لازم است و عدم تمسک به هر دو - ترک هر دو یا تمسک به هر یک به تنهایی - موجب ضلالت است. حال، با توجه به لزوم تمسک به «عترت و اهل بیت» که راسخان در علوم قرآن و مبینان آن می باشند، و کلیدهای فتح حقایق علوم در عرصه های مختلف نزد آنهاست، پس چنگ زدن به روایات آنها جهت دستیابی به نکته های تازه، ضروری می نماید.

حال که این سخنان تفسیری از اولیای الهی، مفسران اصلی قرآن، با عنوان «جوامع تفسیری» ماندگار گردید و به نسل امروز جامعه اسلامی رسید و طی گذر زمان صدورش تا به این لحظه، از گزندها و آسیبهای مربوط به متون دینی در آن مانده، تلاش پژوهشی مضاعف پژوهشگران در عرصه های موضوعات دینی و معارفی را می طلبد تا با اندیشه در «ذکر و تذکر» و «بیان و روشنائی» کتاب الله، راه «لِقَوْمٍ» را بیابند و به فلاح و فوز دنیوی و اخروی نایل آیند.

از آنجا که نگارنده، به گمان خود متوجه نقصان در پژوهشهای حول تفاسیر روایی شیعه شد که

1. نحل، 44.

2. محمد، 24.

پژوهشگران - شکرالله مساعیهم - جز در موارد اندک، کار مفصل و همه‌جانبه انجام نداده‌اند و عموماً در حد معرفی مختصر و شناسنامه‌ای اقداماتی نموده‌اند. لذا با عنایت حق تعالی، تصمیم گرفتیم با ارائه طرح جامع و گسترده درباره هفت تفسیر روایی، زمینه پژوهش مفصل در ابعاد شکلی و متنی و محتوایی فراهم گردد:

در فصل نخست تعریفهای لغوی و اصطلاحی تفسیر و تأویل و معانی استعمالی آن در قرآن بررسی، و قول مختار بیان می‌شود. ادامه بحث، به بررسی اقسام تفسیر و اولین نوع آن تفسیر نقلی که حداقل سه مرحله را طی کرده تا به عرصه تدوین رسیده اختصاص دارد. در همین بخش بیان می‌کنیم که نقش اهل بیت نقش تربیت و تعلیم و ارشاد به آموزه‌های تفسیر است و طریقه دفاع از عقاید حق و ابطال عقیده‌های باطل را با کمک آیات الهی به مشتاقان حقایق قرآنی می‌آموزند و در فراز دیگر به تبیین این مطلب پرداخته شده که قرآن با اینکه نور و کتاب مبین است، ولی به عللی به تفسیر نیازمند است، تفسیر با کمک آیات خود قرآن و سنت صحیح و قواعد مسلم عقلائی؛ به خلاف کسانی که شعار «کتاب خدا ما را بس است» سردادند و کتاب را بی‌نیاز از بیان پیامبر و سنت دانستند و به خلفا اخباریان که ادعا کرده‌اند بدون بیان پیامبر و آل پیامبر نمی‌شود لب به تفسیر قرآن گشود، و در گام پایانی، موضع شیعه در قبال تفسیر را بررسی کردیم.

در فصل دوم، ضمن بیان گونه‌های مختلف تفسیر نقلی و روایی، به بررسی محورهای چند، از جمله عوامل ضعف تفاسیر روایی و علل پیدایش اخبار جعلی و اسرائیلی اقدام کردیم. متأسفانه این بلیه بزرگ و حرکتشوم دین برانداز در حوزه حدیثی شیعه و اهل تسنن هر دو راه یافت؛ در این بحث، مهره‌های کلیدی اشاعه اخبار جعلی و اسرائیلی و اقسام آنها و چهره‌های شناخته شده پیدایش اسرائیلیات و رونق آنها در محیط اسلامی شناسانده می‌شوند.

فصل سوم را با بررسی موضع و سبک هر یک از مؤلفان در قبال موضوعات ده‌گانه آغاز می‌کنیم و به سرانجام می‌رسانیم؛ در ارائه مقدمه، در قبال اخبار آحاد و نقل یا حذف سند، روایت موثق و غیر آن، استفاده از کتب تفسیری و غیر آن، نقل روایات اسرائیلی، نقل روایات درباره حروف مقطعه، در بیان فضیلت سوره‌ها، و قرائات آیات، نقل روایات اسباب نزول و تاریخی، و اخبار تأویل‌گر آیات.

در فصل چهارم به پژوهش در محتوای موضوعات هفت‌گانه معارف اعتقادی و مذهبی، شأن و مقام اهل بیت، اسرائیلیات، مسائل اخلاقی و تربیتی، فقهی، تاریخی (زمان پیامبر و عصر اهل بیت، داستان پیامبران) و طرح مطالب مرتبط با اهل سنت می‌پردازیم.

فصل پنجم به مقایسه و ارزیابی موضع و سبک ده‌گانه و موضوعات هفت‌گانه محتوایی اختصاص دارد. با توجه به اینکه از بهترین وسیله‌های دستیابی به سعادت، تمسک به قرآن و عترت است و یکی از جلوه‌های عترت، سخنان تفسیری آن حضرات از قرآن بوده که با عنوان روایات تفسیری در کتابهای تفسیر روایی گرد آمده است؛ از این رو کتاب را معرفی توصیفی تفاسیر روایی معروف شیعه نامیدیم تا با بررسی موضع و سبک مؤلفان این تفاسیر و محتوای اخبار مندرج در آنها، در ابعاد مختلف، و با مقایسه بین موضع و محتوا، برجسته‌ترین آنها معین و نقطه‌های قوت و ضعف آنها روشن گردد.

باید اعتراف کرد کارهای پژوهشی مفصل بلکه مختصر در حد قابل اعتنا درباره تفاسیر روایی شیعه، مگر بسیار اندک، انجام نگرفته است. به حسب طرح، هفت تفسیر در دستور کار پژوهش قرار گرفت: تفسیر فرات، امام عسکری (ع)، نعمانی، قمی، عیاشی، البرهان و نورالثقلین.

بخشی از کارهای پژوهشی انجام شده، به شرح ذیل است:

مقاله‌ها:

1. «نگاهی به تفسیر منسوب به امام حسن عسکری»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی 6-5، سعید رضوی، ص 312.
2. «پژوهشی درباره تفسیر علی بن ابراهیم قمی»، مجله‌های تنات، کاظم قاضی‌زاده، شماره 10.
3. «تفسیر قمی در ترازوی نقد»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی 6-5، حسن شریفی، محمد حسین مبلّغ، ص 332.
4. «تفاسیر روایی قرن یازدهم هجری»، فصلنامه علوم حدیث 3، محمد فاکر میبیدی، ص 238.
5. «نگاهی به تفسیر فرات کوفی»، مجله آینه پژوهش، عبدالله موحدی محب، شماره 60.

کتابها و رساله‌ها:

6. دایرةالمعارف تشیع، تفسیر و تفاسیر شیعه، جلد 4.
 7. المنهج الاثری فی تفسیر القرآن الکریم، هدی جاسم محمد ابوطبره.
 8. المناهج التفسیریة فی علوم القرآن، استاد جعفر سبحانی.
 9. پژوهشی در باب اسرائیلیات در تفاسیر قرآن، دکتر محمدتقی دیاری.
 10. الاخبار الدخیله، علامه محمد تقی شوشتری.
 11. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیف، استاد محمدهادی معرفت.
 12. طبقات مفسران شیعه، عقیقی بخشایشی.
 13. روش‌شناسی تفسیر قرآن، علی‌اکبر بابایی و غلامعلی عزیزی کیا و مجتبی روحانی‌راد.
 14. المفسرون حیاتهم و منهجهم، سید محمدعلی ایازی.
 15. شناخت‌نامه تفاسیر، همان.
 16. سیر تطوّر تفاسیر شیعه، همان.
 17. رساله حول التفسیر المنسوب الی الامام العسکری (ع)، شیخ محمدجواد بلاغی.
 18. پژوهشی در تفسیر العسکری (ع) منسوب به امام حسن بن علی العسکری (ع)، محمد مسعود رهنمای منفرد، مقطع کارشناسی ارشد.
 19. مکاتب تفسیری، علی‌اکبر بابایی.
- هیچ یک از منابع فوق، طرح مطابق با طرح پژوهشی حاضر را ندارند. هر کدام به نکاتی از عناوین موجود در این پژوهش پرداخته‌اند.

در این نوشتار به دنبال دستیابی به پاسخ پرسش‌های زیر هستیم :

1. تأثیر احادیث موضوعه و جعلی در تفسیرهای روایی شیعه چیست؟
2. آیا مؤلفان تفسیرهای روایی از شیوه‌ها و سبک‌های متفاوتی استفاده کرده‌اند؟
3. آیا تفسیرهای روایی از نظر محتوا با هم متفاوت‌اند؟
4. بهترین تفسیر از حیث سبک تنظیم روایات و از نظر محتوا کدام است؟

5. نتیجه مقایسه‌ای روشها و محتوای تفاسیر روایی چیست؟

تقدیر و تشکر

نویسنده بر خود فرض می‌داند مراتب تقدیر و تشکر خود را به همراهان در تدوین این کتاب تقدیم کند: از مسئولان ارجمند سازمان «سمت» که با حسن نظر و حمایت‌های خود زمینه تدوین این‌گونه کتابها را فراهم کرده‌اند بسیار سپاسگزارم به ویژه تشکر خالصانه و فراوان خود را به محضر حضرت استاد آیه‌الله دکتر احمد احمدی ریاست محترم سازمان «سمت» که با مطالعه ژرف‌نگر و ارائه نظرات اصلاحی خویش به اتقان و استواری کتاب افزودند، اعلام می‌دارم. همچنین از حجت‌الاسلام احمد دیانی مسئول دفتر «سمت» در استان قم که زحمت مطالعه و پیگیری مراحل آماده‌سازی کتاب تا چاپ را تحمل کردند متشکرم و به ویژه باید از استاد گران‌قدر آیه‌الله دکتر احمد عابدی تشکر کنم که نظارت بر اجرای این تحقیق را بر عهده داشتند و نویسنده را از دقت نظرهای علمی خود بهره‌مند ساختند و در طول مدت نگارش از هیچ رهنمودی دریغ نکردند.

سرانجام، قدرشناسی خالصانه خویش را نسبت به پدر و مادر مرحومم نثار می‌کنم که به لطف دعای خیرشان این توفیق رفیق گردید و همچنین از همسر مکرّمه و فرزندانم به خصوص فرزند صبورم محمدمهدی که زحمت تایپ این کتاب بر دوش ایشان بوده است و از همه دوستان گرامی که به انحاء مختلف ما را تا مرحله چاپ مساعدت دادند، سپاسگزارم.

در نهایت، نویسنده قدردانی خود را به محضر خوانندگان این سطور تقدیم می‌دارد که کاستیها را به دیده اغماض خواهند نگریست زیرا که طبیعت کار به گونه‌ای بود که از لغزش و خطا، گریزی نبوده است و با ارائه نظرهای سازنده و ارزشمند خود، مشوق اصلی محقق در ادامه راه خواهند بود.